

نفوذِ فارسی در زبان و ادبیاتِ بنگالی

محمد نورالهدی*

شکر شکن شوند همه طوطیانِ هند زین قندِ پارسی که به بنگاله می‌رود
(حافظ)

اشاره

از هشت قرن پیش رواج و استفاده از شعر و ادب فارسی در بنگال مبرهن است. در این مقاله نفوذ فارسی در زبان و ادبیات بنگالی در شش بخش بررسی گردیده است. در نکته اول که کتاب عمده دارای بازتاب، در نکته دوم تراجم هفتگانه آثار عمده فارسی، در نکته سوم صدها لغت فارسی مورد استفاده در زبان بنگالی به شکل اصلی یا با کمی تغییر، در نکته چهارم لغات فارسی در بنگالی با تلفظ مختلف، در نکته پنجم لغات بنگالی با پسوندهای فارسی، در نکته ششم نفوذ کلی شعر و ادب فارسی بر شعر و ادب بنگالی مورد ارزیابی قرار گرفته است.

کلمات کلیدی: زبان و ادب فارسی، زبان و ادبیات بنگالی، تراجم فارسی به بنگالی، ادبیات پوتھی.

قند پارسی خواجه حافظ را نه فقط طوطیان هند و بنگال از ژرفای دل پذیرفته‌اند، بلکه از هشتصد سال پیش که زبان فارسی به بنگال وارد شد، بیش از ششصد سال به عنوان زبان رسمی رایج این حوزه باقی ماند.

وقتی که اختیارالدین محمد بن بختیار خلجی در سال ۱۲۰۴ م راجا لکهنش را شکست داد و حکومت مسلمانان در بنگال را تشکیل داد همان وقت زبان فارسی وارد

* استاد زبان و ادبیات فارسی بخش زبان‌ها دانشگاه راجشاهی، بنگلادش.

بنگال شد. حکام مسلمانان از سال ۱۲۰۴ تا ۱۷۵۷ م بر شبه قاره مسلط بودند و حدود ۶۳۲ سال بر بنگال نیز حکومت کردند. در این قرن‌ها زبان فارسی زبان رسمی بنگال بود، ولی زبان دینی مسلمانان بنگال زبان عربی بود.

در سال ۱۷۵۷ م انگلیسیان در جنگ پلاسی نواب سراج‌الدوله را شکست دادند و حکومت بنگال را گرفتند، بعد از آن رفته رفته زبان فارسی در این منطقه بی‌اهمیت شد و در سال ۱۸۳۷ م زبان انگلیسی جای زبان فارسی را در مکاتبات رسمی کشور گرفت؛ ولی زبان فارسی از ذهن مردم بنگال از بین نرفت و زبان دل مردم بنگال شد، از همان وقت تا اکنون زبان فارسی زبان و ادبیات بنگالی را تحت نفوذ قرار داده است.

نفوذ زبان فارسی در زبان و ادبیات بنگالی گوناگون است، ما آن را در اینجا به چند بخش تقسیم‌بندی کردیم و مختصر توضیح می‌دهیم:

نکته اول

از آثار و نفوذ فارسی، شاعران و دانشمندان و ادبا و فصحاء بنگال کتابهای بسیاری به فارسی نوشته‌اند. در اینجا سعی می‌کنیم برخی از آثار فارسی این منطقه را معرفی کنیم:

۱. **تاریخ بنگاله:** منشی سلیم الله در سال ۱۷۶۳ م این کتاب تاریخ بنگال را نوشت، اصل این کتاب در سال ۱۹۷۹ م توسط ایشیاتیک سوسایتی داکا چاپ گردیده است.^۱

۲. **مثنوی در صفت بنگاله:** یکی از آثار ابوالبرکات منیر لاهوری است. منیر به همراه برادر خود ابوالفتح ضمیر چندی به دربار سیف خان صوبه‌دار بنگال به سربرد و در دوران توقّفش در جهانگیرنگر در سال ۱۶۳۹ م این کتاب را نوشت.^۲ در این مثنوی مناظر طبیعی بنگال بسیار ماهرانه و با فصاحت تعریف شده است. مثل اینکه تندی و تیزی باد و فراوانی آب را در بنگال در سلک نظم آورده است:

۱. دکتر محمد عبدالله، ادبیات فارسی در بنگلادش (زبان بنگالی) بنگلادش اسلامیک فونڈیشن، داکا، ۱۹۸۳ م، ص ۱۱.

۲. تاریخ ادبیات مسلمانان پاکستان و هند، دانشگاه پنجاب، لاهور، ج ۴، ص ۳۶۳.

که این ملک از سه عنصر گشته آباد نه بینی غیر آب و آتش و باد
 همین خاک است کاینجا ناپدید است زمین در خواب کس هرگز ندید است^۱
 منیر لاهوری در تعریف «انبه بنگال» می گوید:
 همین یک نکته بس در مدحت او
 که خوش رنگست و خوش طعم است و خوشبو^۲

در تعریف گلها می گوید:

سخن از وصف گلهايش کنم سر شوم گلدسته بند از تار مسطر
 چو اوصاف سرخس نگارم شود خامه رگ ابر بهارم^۳
 منیر لاهوری در تعریف بنگاله می گوید:

رسیدم چون ز فیض لایزالی به بنگاله پئی عشرت سگالی
 بهشتی دیدم از گلها نگارین گلش چون چهره حوران بهارین^۴

در تعریف زمین بنگاله منیر لاهوری می سرايد:

چه گویم زان زمین فیض گستر که آب از شرم خاک او شده تر
 زمین او بود ز انگونه سیر آب که نقش پای گردد چشمه آب^۵

۳. بهارستان غیبی: کتاب تاریخی است که علاءالدین غیبی در سال ۱۶۴۱ م به عهد شاهجهان نوشت.

۴. ریاض السلاطین: این کتاب از تواریخ مستند بنگال است که به سال ۱۷۸۸ م توسط غلام حسین سلیم تألیف شده و پس از تحشیه و تصحیح توسط عبدالحق عابد به سال ۱۸۱۰ م در کلکته چاپ شده است.^۶

۱. دکتر محمد کلیم سهسرامی، خدمتگزاران فارسی در بنگلادش، رایزنی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران، داکا، ۱۹۹۹ م، ص ۴۷.

۲. همان، ص ۴۸.

۳. ابوالبرکات منیر لاهوری، مثنوی در صفت بنگاله، لاهور، ص ۳۴.

۴. همان، ص ۲۵.

۵. همان، ص ۳۰.

۶. خدمتگزاران فارسی در بنگلادش، ص ۵.

۵. **سیرالمتأخرین**: مؤلف این کتاب غلام حسین طباطبائی است. در این کتاب بعد از اورنگ‌زیب، تاریخ هفت سلطان مغول (۱۷۸۱-۱۷۰۷ م) بیان شده است و به سال ۱۸۳۲ م در کلکته چاپ شده است.^۱
۶. **تاریخ شاه شجاعی**: میر محمد معصوم بن حسن بن صالح در سال ۱۶۶۰ م این کتاب را نوشت، ولی متأسفانه هنوز چاپ نشده است.
۷. **نام حق**: شیخ شرف‌الدین ابوتوامه صاحب کتاب «نام حق» است. موضوع این کتاب فقه اسلامی است.
۸. **خدمتگزاران فارسی در بنگلادش**: مؤلف این کتاب دکتر محمد کلیم سهرامی است. این کتاب به سال ۱۹۹۹ م توسط علی اورسجی رایزن فرهنگی وقت جمهوری اسلامی ایران در داکا چاپ شده است. موضوع این کتاب وضع اجتماعی و ادبی خدمتگزاران فارسی بنگال از سال ۱۲۰۱ تا ۱۹۹۵ م بیان شده است.
۹. **گزیده احوال و آثار قاضی نذرالاسلام**: این کتاب توسط مولانا عیسی شاهدی با همکاری دکتر کلثوم ابوالبشر از بنگالی به فارسی ترجمه و به کوشش علی اورسجی از رایزنی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران در داکا در سال ۱۹۹۵ م چاپ شده است. در این کتاب ترجمه چند قطعه شعر قاضی نذرالاسلام (شاعر ملی بنگلادش) به زبان فارسی به نظم آورده شده است.
- مانند - شعر «محرّم» را نمونه می‌آورم:
دیگر بار ماه محرّم از راه رسید
ماه شیون و زاری
زین‌العابدین در کربلا گریان از هوش رفته است
علی (ع) و فاطمه (س) در بهشت برین گریانند
صدای گریه آسمان و زمین نیز امروز به گوش می‌رسد
آسمان خون می‌گرید
و دشت رنگ خون گرفته است

۱. ادبیات فارسی در بنگلادش (زبان بنگالی)، ص ۱۱.

سکینه خاتون، جنازه قاسم بر دامن
 گریه می کند
 با دیدن تیر در گلوی اصغر نازک بدن
 (عرش) خدا به گریه درآمده است.
 امروز مسلمانان جهان گریانند و مرثیه
 خوان
 در سوگ آن عزیزان
 اشکها
 هزاران سال جاری خواهد بود^۱
 همان طور کتاب‌های بسیاری به زبان
 فارسی نوشته شده است.

نفوذ و تأثیر فارسی در زبان و ادبیات
 بنگالی در زمینه‌های گوناگون است از
 شعر و وزن شعر و سبک شعر گرفته تا
 استعمال لغات و اصطلاح و مثل و این
 در آثار ادبای بنگلادش همچون قاضی
 نذرالاسلام، کیقباد، علاول، شاه محمد
 صغیر، فرخ احمد و دیگران به خوبی
 مشاهده می‌شود.

نکته دوم

به غیر از آنچه بیان شد آثاری نیز در زمینه ادبیات فارسی و نفوذ زبان فارسی در ادبیات
 بنگالی موجود است که از زبان فارسی به بنگالی ترجمه شده و سعی می‌شود در اینجا تا
 حدودی معرفی گردد.

در اواسط قرن هفدهم میلادی زبان فارسی در بنگلادش به قدری نفوذ پیدا کرده بود
 که در بیشتر اشعار و منظومه‌ها و داستانهای بنگالی لفظ فارسی به کار برده می‌شد. تا
 پایان این قرن پیوند زبان فارسی با بنگالی بیشتر شد و در نتیجه به علت سادگی و روانی
 زبان فارسی و نیز علاقه‌مندی صاحبان آثار به این زبان، ادبیات پوتهی اختراع شد.
 ادبیات «پوتهی» یعنی ادبیات ترکیبی و منظور از آن وارد کردن لغات و ترکیب‌های
 فارسی در زبان بنگالی بود. نویسندگان مسلمان بنگالی سعی کردند که اساس زبان
 فارسی محکم‌تر و استوارتر شود، بدین علت بیشتر آنان از استعمال لغات سانسکریت
 احتراز نمودند و عموماً از صنایع لفظی استفاده نکردند و مطالب را به زبان ساده بیان

۱. محمد عیسی شاهدی (مترجم)، گزیده احوال و آثار قاضی نذرالاسلام، رایزنی فرهنگی جمهوری اسلامی
 ایران، داکا، بنگلادش، ۱۹۹۵ م، ص ۱۰۸.

کردند. ادبیات «پوتهی» به‌طور کلی ساده، سلیس، روان و بی‌تکلف بود. مردم بنگال پوتهی را خیلی دوست داشتند. هنوز در روستاهای بنگلادش مردم همه شب «ادبیات پوتهی» را می‌خوانند و لذت می‌برند^۱ مشهورترین ادبیات پوتهی و تعدادی از کتاب‌های فارسی که به‌زبان بنگالی ترجمه شده است. مانند:

اولین کتاب که از فارسی به‌بنگالی ترجمه شد داستان «سیف‌الملوک و بدیع‌الجمال» بود. داستان «یوسف و زلیخا» دومین کتابی بود که توسط عبدالحکیم شاه (۱۶۸۰-۱۶۲۰ م) به‌تقلید از شاه محمد صغیر^۲ از فارسی به‌بنگالی ترجمه شد.

«اسکندرنامه» و «هفت پیکر نظامی گنجوی» از آثاری است که توسط سید علاول (۱۶۷۳-۱۵۹۷ م) به‌ترتیب در سالهای ۱۶۷۳ و ۱۸۶۳ م به‌بنگالی ترجمه شد. همین مترجم کتاب «سیف‌الملوک و بدیع‌الجمال» و «تحفه» که اثری به‌فارسی از مولانا یوسف گدا بود، را نیز به‌بنگالی به‌ترتیب در سالهای ۱۶۵۸ و ۱۶۶۴ م ترجمه کرد^۳.

در اوایل قرن هفدهم میلادی محمد نواز خان «گل بکاولی» را به‌زبان بنگالی درآورد. علاوه بر این قصه حسن بانو، قصه حیرات الفقه، قصه حاتم طایی هم به‌زبان بنگالی ترجمه شد.

از اواسط قرن نوزدهم نیز تا به‌حال آثاری دیگر از فارسی به‌زبان بنگالی ترجمه شده است. فقط اسم کتابها را ذکر می‌کنم:

۱. **فردوسی و شاهنامه او:** درباره شاعر فردوسی و شاهنامه فردوسی بسیاری کتب بنام‌های مختلف نوشته شد. منیرالدین یوسف (۱۹۸۷-۱۹۱۹ م) متن کامل شاهنامه را به‌زبان بنگالی و به‌شعر ترجمه کرده و نام ترجمه را «فردوشیر شاهنامه» گذاشته است.

۱. دکتر کلثوم ابوالبشر، «پیوند زبان فارسی با بنگالی»، دانش (فصلنامه مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان)، شماره ۵۱، ۱۳۷۶ ه.ش، اسلام‌آباد، ص ۵۰.

۲. شاه محمد صغیر یکی از اولین شاعران بزرگ مسلمان بنگال بود. او در عهد غیاث‌الدین اعظم شاه (۱۵۰۹-۱۳۹۳ م) می‌زیست و کتاب یوسف و زلیخا را ترجمه کرد. وی درباره شجاعت و مردانگی حضرت علی^(ع) کتابی به‌نام «جنگ‌نامه» نوشت. (تاریخ ادبیات بنگالا، ص ۲۲۴)

۳. محبوب‌العالم، تاریخ ادبیات بنگالا (به‌زبان بنگالی)، خان برادرس کمپانی، داکا، ۲۰۰۰ م، ص ۲۰۹.

۲. **غزلیات و رباعیات حافظ شیرازی:** دیوان حافظ را دکتر شهیدالله، قاضی اکرم حسین، منیرالدین یوسف به‌زبان بنگالی در زمان مختلف ترجمه کردند. همان‌طور رباعیات حافظ را آچه کمار به‌تارچاریه، شاعر ملی بنگلادش قاضی نذرالاسلام، دکتر شهیدالله، کانتی چندرو گهوش به‌زبان بنگالی در زمان خودشان ترجمه کردند.
 ۳. **مهمترین ترجمه‌های مثنوی مولانا رومی:** کتاب مثنوی رومی از مهم‌ترین ترجمه‌ها به‌زبان بنگالی است که توسط فضل‌الکریم انجام شده اما متأسفانه هنوز چاپ نشده است. غیر از آن دفتر اول از مثنوی رومی توسط نویسندگان شیخ‌الحديث مولانا عزیزالحق، اظهر علی بختیاری، عبدالمجید، محمد عیسی شاهدی و غیره بنام‌های مختلف ترجمه کردند و چاپ شده است.
 ۴. **ترجمه‌های آثار سعدی شیرازی:** زندگینامه سعدی و گلستان و بوستان سعدی هم به‌زبان بنگالی ترجمه شده است.
 ۵. **عمر خیام و رباعیات او:** رباعیات عمر خیام و زندگینامه عمر خیام به‌زبان بنگالی توسط شاعر نذرالاسلام، دکتر محمد شهیدالله، سید ابوریحان، کانتی چندرو گهوش در زمان خودشان ترجمه کردند و چاپ شده است.
 ۶. **ترجمه فرهنگ فارسی به‌بنگالی:** این لغات‌نامه به‌کوشش آقای علی اورسجی و توسط رایزنی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران در داکا، در سال ۱۹۹۸ م چاپ شده است.
 ۷. **تاریخ ادب پارسی:** مؤلف اصل کتاب دکتر احمد تمیم‌داری و مترجم این کتاب طارق ضیاء‌الرَّحْمَن سراجی و محمد عیسی شاهدی می‌باشند، این کتاب زیر نظر دکتر سید رضا هاشمی، از رایزنی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران در داکا، در سال ۲۰۰۰ م چاپ شده است.
 ۸. **گزیده‌ای داستان‌های کوتاه جلال آل احمد:** مترجم این کتاب عبدالصبور خان است و زیر نظر دکتر رضا هاشمی، از رایزنی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران در داکا در سال ۲۰۰۶ م چاپ شده است.
- همین‌طور کتاب‌های تاریخی و ادبی و آموزشی دیگر به‌زبان بنگالی ترجمه شده است.

نکته سوم

در نتیجه گسترش زبان فارسی در بنگال، شکل‌گیری و قالب‌ریزی جدیدی در زبان بنگالی به وجود آمد. دکتر غلام مقصود هلالی (۱۹۶۱-۱۹۰۰ م) فرهنگی به نام عناصر فارسی و عربی در زبان بنگالی نوشت و توضیح داد که تقریباً شش هزار لغت و اصطلاح فارسی و عربی در زبان بنگالی وجود دارد و حدود ۴۰ درصد لغات بنگالی از زبان فارسی گرفته شده است. همین‌طور در سال ۱۹۷۰ م ویلیام گولد کتاب فرهنگ مسلمانان را در شهر داکا چاپ کرد. در این کتاب حدود ۶ هزار لغت فارسی و عربی جمع‌آوری شده که در زبان بنگالی رایج است.^۱ این نشانه نفوذ و تأثیر فارسی در زبان بنگالی است. برای نمونه به لغات و اصطلاحاتی که در زبان فارسی و بنگالی مشترک هستند اشاره می‌کنیم:

- (۱) لغات دادگاه و دادگستری مانند: عدالت، وکیل، وصیت‌نامه، منصف، پیشکار، قانون، دلیل، جلسه، امین، منشی، پروانه، حاکم، حکم، فرمان، حق، خزانة، وکالت‌نامه، اجلاس و غیره.
- (۲) لغات اعضاء بدن مانند: پا، بازو، بدن، زبان، سر، پیشانی، کمر، پوست، چهره، صورت، دل، جان، سینه، گردن، زلف، پنجه و غیره.
- (۳) لباس‌ها مانند: چادر، عمامه، جبّه، شلوار، پیراهن، بازوبند، کمربند، پوشاک و غیره.
- (۴) خوردنی‌ها مانند: پلاو، قرمه، کوفته، گوشت، پنیر، چای، حلوا، کباب، قیمه، مربّا، سبزی، انار، سیب، انگور، خربزه، خوراک، پسته، بادام، کشمش و غیره.
- (۵) لغات دینی و مذهبی مانند: نماز، روزه، حج، زکوة، خدا، اذان، بندگی، مسجد، پیغمبر، ایمان، قربانی، عید، مرثیه، نوروز، تعزیه، ماتم، جنّت، دوزخ، بهشت، قیامت، کافر، ملّا، مولانا، مولوی، پرهیزگار، ایماندار، جماعت، جمعه، ظهر، عصر، بزرگی، جای نماز، پرهیزگاری، بی‌ایمان، بی‌ادب، بت، بتخانه و غیره.

۱. دانش، شماره ۵۱، ص ۱۸۱.

- ۶) لغات خویشاوندان همچون: بابا، خاله، دایی، داماد، شوهر، کنیز، غلام، چاکر، دوست، یار، دشمن و غیره.
- ۷) پرنده و جانور مانند: گاو، شیر، بلبل، کبوتر، باز، طوطا (طوطی)، خرگوش، مرغ، جانور و غیره.
- ۸) اسامی خانم‌ها و آقایان مانند: نسیم، جهان، دلربا، دل افروز، افروزه، گوهر جان، نور جهان، ملیحه، فردوسی، زینت آرا، جمشید، حسن، حسین، علی، افتخار، عالم، زهرا، بتول، نازنین و غیره.
- ۹) اسم مکان: خانقاه، یتیمخانه، حمامخانه، غسلخانه، پیشابخانه، پیلخانه، گلستان، مسافرخانه، مهمانخانه، کارخانه، آسمان، زمین، بازار، جنگل و غیره.
- ۱۰) همچنین بسیاری از لغات فارسی در زبان بنگالی استفاده می‌شود. مانند: آب و هوا، دور، دماغ، دم، نام، بالش، نیل، نرم، پشم، جادو، دفتر، مدرسه، محل، محبت، محروم، مهمان، میدان، حلالخور، حرامخور، آباد، نور، نوکر، نیک، نظر، نیک، نظر، هوشیار، هوش، بی‌هوش، آرام، یک، آزاد، احکام، منافق، مناجات، تفسیر، گور، قبر، سزا، جزا، ظلم، شاه، شان، شاهزاده، تازه، بابت، پریشان، بیچاره، تاریخ، دانه، خوش، خرید، دوات، دوست، دریا، درگاه، شروع، مربی، مهربانی، کاغذ، قلم، گرم، بچه، بیش، برف، درد^۱ و غیره.

نکته چهارم

در حال حاضر لغات فارسی بسیاری با تغییر تلفظ در بنگالی استفاده می‌شود، برای نمونه بعضی از آن بیان می‌شود:

تلفظ فارسی	تلفظ بنگالی	تلفظ فارسی	تلفظ بنگالی	تلفظ فارسی	تلفظ بنگالی
انگشت	انگول	کشمش	کسیمیس	بریری	بیرانی
کمر	کومر	پنجره	پنجری	نه	نا
خراب	خراب	خواجه	خاجا	بدذاتی	بذاتی

۱. سید نعیم البصیر، دستور زبان فارسی، ۱۹۸۲ م، هنوز چاپ نشده، ص ۴۵؛ دانش شماره ۵۱، ص ۱۸۱.

شاگرد	شاگرید	آسمان	اسمان	بخشش	بخشیش
شال	شل	چهار	چار	باقی	باکی
شاهزاده	شاهزادا	حمله	حملا	تازه	تازا
تبدیل	بدل	تأکید	تکید	اشاره	اشارا و ...

نکته پنجم

بسیاری از لغات بنگالی با ترکیب لغات فارسی ساخته شده‌اند. مانند^۱:

بنگالی	فارسی =	لغت مرکب	معنی لغت
بابو +	گری =	بابوگری	خودنمایی
دوا +	خانه =	دواخانه	داروخانه
کرانی +	گری =	کرانی گری	منشی
گدی +	نشین =	گدی نشین	کسی که وراثت می‌گیرد
تهک +	باز =	تهک‌باز	حقه‌باز، حيله‌گر
تهیلا +	گاری =	تهیلاگاری	قسمی از گاری
گانجا +	خور =	گانجاخور	کسی که گانجا می‌خورد
چال +	باز =	چالباز	حقه‌باز، زرنگ
فاکی +	باز =	فاکی باز	مکار، تنبل
سن +	تاریخ =	سن تاریخ	سال و تاریخ و ...

علاوه بر آن مقداری از لغت فارسی با تغییر املاي طبیعی در زبان بنگالی وارد شده‌اند.

نکته ششم: تأثیر شعرا و ادبای ایرانی بر مردم بنگلادش

مردم بنگلادش سخنوران، شعرا و ادبای ایران را بسیار دوست دارند و تکریم می‌کنند و از خواندن کلام آنها لذت می‌برند. در قرن نوزدهم میلادی شعرای این مرز و بوم به تقلید سروده‌های ایرانی، اشعاری را سرودند. هنوز در مجالس این منطقه، اشعار

۱. شیخ غلام مقصود هلالی، عناصر فارسی و عربی در بنگالی (بنگلا)، ژانویه ۱۹۶۸ م، داکا، ص ۴۴.

سعدی و حافظ و مولوی و خیام خوانده می‌شود. در آثار منظوم بنگالی، مرشیدی، زاری و انواع نغمه‌ها و سروده‌ها وجود دارد که تحت نفوذ تأثیر حافظ و مولوی و سعدی و عطار و سنایی سروده شده یا افکار تصوّف و معرفت عشق الهی را چنان اشعار ایرانی شرح می‌دهد. مردم این ناحیه دیوان حافظ و مثنوی مولوی را به‌لحن مخصوص می‌سرایند و نسبت به آنان تعظیم و تکریم می‌نمایند و این تکریم به‌جهت توجّه این بزرگان به نکات قرآن و سرودن و تألیف آثارشان به‌زبان فارسی است.

اشعار عاشقانه و غنایی به‌خصوص در زبان بنگالی تحت نفوذ اشعار فارسی است. سروده‌های قاضی نذرالاسلام نمونه‌ای از این تأثیر را نشان می‌دهد:

”غزل‌های او لطیف، ساده، روان و تغزل در اشعار وی به‌حدّ کمال است.“

بسیاری از شاعران دیگر بنگاله سبک اشعار ایرانی را در اشعار خود به‌کاربردند. به‌جرات می‌گوییم که زبان فارسی به‌زبان بنگالی کمک کرد که سطح علمی و فکری و اندیشه در آن بالا رود. مرثیه، رباعی و مثنوی به‌زبان بنگالی کاملاً از ادبیات فارسی گرفته شده است.

در پایان باید گفت که نفوذ و تأثیر فارسی در زبان و ادبیات بنگالی در زمینه‌های گوناگون است از شعر و وزن شعر و سبک شعر گرفته تا استعمال لغات و اصطلاح و مثل و این در آثار ادبای بنگلادش همچون قاضی نذرالاسلام، کیقباد، علاول، شاه محمد صغیر، فرّخ احمد و دیگران به‌خوبی مشاهده می‌شود. نذرالاسلام در شعر «فاتحه دوازدهم» بیش از ۱۰۰ لغت فارسی استفاده کرده است.

پس به‌طور کلی زبان بنگالی مرهون زبان فارسی است. شعرا و ادبای زبان فارسی الگو و سرچشمه‌ای برای شعرای بنگلادش هستند. ما آرزومند استحکام این پیوند فرهنگی و علمی و هنری و شعری و ادبی و برای پیشرفت بیشتر همکاری صمیمانه دو ملت ایران و بنگلادش لازم است.